

نقش هویت بخشی امامزاده قاسم در زیست بوم انسانی روستای المشیر قائمشهر

محمدحسین رفیعی^۱، محمدجواد یعقوبی^{۲*}

چکیده

امامزادگان در طول تاریخ همواره نقش و جایگاه هویت بخشی قابل توجهی داشته‌اند. این مکان‌های مذهبی علاوه بر کارکردهای انحصاری در ساحت تربیت عبادی و معنوی، با توجه به زیست بوم خود، دارای کارکردهای متعددی در حوزه‌های هویت اجتماعی و فرهنگی هستند به گونه‌ای که پیوند میان امامزادگان و مردم پیرامون آن، شبکه‌ای از رفتارها و آداب و تعاملات را رقم زده است. آستان امامزاده قاسم در روستای المشیر از توابع شهرستان قائمشهر که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، نقش مهمی در شکل‌گیری و ساماندهی شناسنامه هویتی مردم این روستا داشته است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و بهره‌گیری از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های مختلف با مردم روستا، نشان داد که امامزاده قاسم روستای المشیر، به صورت خاص در سه حوزه هویت بخشی دینی، همبستگی‌های اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌های هویت فرهنگی، بر مردمان باورمند به خود تأثیر گذاشته و زیست بوم انسانی پیرامون خود را بر مبنای این سه مؤلفه تشکیل داده است.

کلیدواژه: امامزاده قاسم، پیوند اجتماعی، روستای المشیر، فرهنگ محلی، هویت بخشی.

۱. استادیار مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية، قم- ایران. mohammadhossein_rafiie@miu.ac.ir
۲. استادیار مجتمع آموزش عالی تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعة المصطفی العالمية، قم- ایران. mjawadyaqubi@miu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

وجود امامزاده‌گان در ساختار اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایران، نقش اساسی در هویت بخشی به ساکنان این مناطق ایفا می‌کند (منتظرالقائم، ۱۳۹۹). این مکان‌های مقدس به عنوان مراکز معنوی و اجتماعی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای مشترک فراهم می‌آورند که نتیجه آن تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان روستائیان است. کارکردهایی چون: همبستگی اجتماعی، نهادینه کردن هنجارها، مشارکت طلبی، جامعه پذیری، کاهش آسیب‌های اجتماعی، توانمند سازی، کارکرد قضایی، ایجاد آرامش، امنیت بخشی، افزایش اعتماد، جذب گردشگر، پرکردن اوقات فراغت، ایجاد اشتغال، پیوند نسلی، دگرخواهی، بهبود کیفیت زندگی ساکنین روستا از جمله تأثیرات مثبت وجود این امامزاده‌ها بر جامعه محلی است (محمودی، ۱۳۹۴).

در روستای المشیر و در قبرستان عمومی این روستا، مزار مطهر امامزاده قاسم از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) قرار گرفته است. نقش این امامزاده با عظمت و کرامت در هویت بخشی به مردم روستای المشیر به لحاظ پیشینه فرهنگی آن، بی‌بدیل است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از زمان دفن این امامزاده شریف در روستای المشیر، شخصیت و باورهای مردم روستا با آستان این امامزاده آنچنان پیوند خورده که به عنوان نمادی مذهبی و فرهنگی، مرکزی هویت ساز برای روستائیان و مردمانی که پیرامون آن امامزاده زیست می‌کنند، تبدیل شده است.

نقش امامزاده قاسم در تقویت هویت محلی به وضوح در تعاملات اجتماعی و فرهنگی ساکنان مشهود است. این مکان نه تنها به عنوان نقطه‌ای برای تجمع مذهبی، بلکه به عنوان بستری برای تبادل فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند. از طرفی این مکان مقدس با ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت پیوندهای فرهنگی، به ساکنان روستا کمک می‌کند تا هویت خود را در چارچوب باورها و ارزش‌های دینی تعریف کنند. برگزاری مراسم‌های مذهبی مانند عزاداری محرم (علیزاده، ۱۳۹۵) و یادواره‌های شهدا (ایکنا، ۱۴۰۲) در این مکان، نمایانگر نقش فعال این امامزاده در زندگی روزمره مردم است. با توجه به تاریخچه غنی این امامزاده و تأثیرات آن بر زندگی روزمره مردم، می‌توان گفت که وجود آن موجب تقویت احساس تعلق و هویت جمعی در میان ساکنان روستای المشیر شده است. از این رو، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است عبارت است از: چگونه وجود امامزاده قاسم به شکل‌گیری و تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستای المشیر قائمشهر کمک کرده است؟

۲. ادبیات نظری تحقیق

مطالعات و منابع درخصوص تحقیق پیش‌رو در دو دسته قابل بررسی است. منابعی که مربوط به ادبیات روستایی و اقلیمی است و به بررسی ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی می‌پردازد و دسته دیگر پژوهش‌ها و مطالعاتی که در خصوص امامزادگان ائمه اطهار (ع) در ایران و به نقش اجتماعی و فرهنگی آنان اختصاص دارند.

الف. ادبیات روستایی و اقلیمی

منابع کهن و عام که نسبتاً مفصل‌تر از دیگر منابع به تاریخ طبرستان پرداخته‌اند، از قبیل: تاریخ طبرستان و رویان و

مازندران (۱۳۶۱) از ظهیر الدین بن نصیرالدین مرعشی؛ تاریخ طبری (۱۴۱۳ق) اثر محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبرستان (۱۳۹۶) اثر محمد بن حسن ابن اسفندیار؛ تاریخ مازندران (۱۳۵۲) از شیخعلی گیلانی؛ جلد چهارم کتاب از آستارا تا استارباد آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی (۱۳۶۶) تألیف منوچهر ستوده؛ معجم البلدان (۱۹۹۵م) نوشته یاقوت حموی؛ الکامل فی التاریخ (۱۳۸۵) به قلم ابن اثیر؛ تاریخ الیعقوبی (۱۳۶۲)، از احمد بن اسحاق؛ تاریخ مختصر الدول (۱۹۹۲م) اثر ابن العبری؛ تجارب الأمم (۱۳۷۹) تألیف احمد بن محمد مسکویه. آثار مذکور گرچه از منطقه طبرستان مطالب و اطلاعات ارزشمندی در موضوع تاریخ شهرها و آبادی‌ها و ضبط تلفظ کهن نام بسیاری از مناطق و روستاهای مازندران ارائه می‌دهند اما به طور خاص درخصوص نام «المشیر» و نشانه‌های دیگری که به این منطقه اشاره کند، تصریح نشده است. در کتاب تاریخ طبرستان در شمار برخی آبادی‌های مازندران؛ نام «کنده کوه» ذکر شده که در چهار فرسنگی ساری است (مرعشی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۲۶)، لکن احتمال بسیار ضعیف است که منظور از آن، همان «نوکنده» امروزی باشد که در تقسیمات کشوری در اوایل سده ۱۴، روستای المشیر از توابع آن به شمار می‌رفت.

قدیمی‌ترین سند مکتوبی که نام «المشیر» در آن آمده، وقفنامه‌ای است که در سال ۱۲۴۹ شمسی نگاشته شده است. در این سند چند بار عنوان «المشیر» و «المشیری» تکرار شده است (تصویر پیوست شماره ۱). از این تاریخ به بعد، در بسیاری از نوشته‌ها اعم از کتاب، مبیعه نامه، وقف نامه و ... نام المشیر یا المشیری تکرار شده است. قابل توجه است که از آن تاریخ تاکنون، نام المشیر تغییری نیافته و حتی در اوایل سده ۱۴ که تقسیمات کشوری دچار دگرگونی شده و نام بسیاری از شهرها و روستاها تغییر یافته، نام المشیر همچنان به همان صورت قبلی‌اش باقی مانده است.

ب. مطالعات امامزاده شناسی

در دهه‌های اخیر، تحقیقات و مطالعات معتنا بهی درباره امامزادگان مدفون در ایران صورت گرفته است. مانند: شیرمردان علوی پژوهشی پیرامون علل، زمینه‌ها و آثار هجرت امامزادگان به ایران (۱۳۹۳) به قلم شائق بهاء‌الدین قهرمانی نژاد؛ شکوفه‌های رسالت آشنایی با امامزادگان ری، تهران، شمیرانات (۱۳۹۱) به کوشش هادی آصفی؛ بقاع متبرکه ایران (۱۳۹۴) نوشته حسین علی بایرام نژاد؛ امامزادگان ایران و بقاع متبرکه (۱۳۹۰) از محمد نجاری سهل آبادی؛ مهاجران موسوی: بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) و علل مهاجرت آن‌ها به ایران (۱۳۹۱) اثر جلیل عرفان‌منش؛ امامزادگان معتبر ایران و رجال مدفونین کاشان (۱۳۴۲) نوشته سید عزیز الله امامت کاشانی؛ بحرالرحاب: در احوال امام زادگان ایران (۱۳۹۱) اثر محمدعلی وثوقی و میرمحمد رضا برزانی؛ و... تک‌نگاشت‌های متعددی در خصوص احوالات امامزادگان و بقاع متبرک آن‌ها نیز نگاشته شده است، اما در خصوص امامزاده قاسم و نقش این بقعه متبرکه در شکل‌گیری و ساماندهی شناسنامه هویتی مردم روستای المشیر، تاکنون اثری به آن نپرداخته و نوآوری تحقیق پیش‌رو محسوب می‌شود.

۳. جغرافیا و ویژگی‌های روستای المشیر

المشیر، روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر در استان مازندران ایران است. این روستا زمانی از توابع

«نوکندکلا» بوده ولی در زمان حاضر مستقل بوده و روستاهای کاردیگلا، گیله کلا و افرایل از توابع آن به حساب می‌آیند. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران جمعیت آن حدود ۳ هزار نفر بوده است. مردم این روستا به زبان مازنی (محلی مازندران) صحبت می‌کنند و شغل اصلی آنها کشاورزی و باغداری است. در بالا دستی روستای المشیر، روستای پاشاکلا قرار دارد و روستای المشیر از شمال به افرایل و در نواحی غرب، شرق و جنوب به اراضی کشاورزی متصل است (تصویر پیوست شماره ۲).

در اینکه ضبط صحیح نام این روستا، «المشیر» یا «علم‌شیر» است، در همه اسناد و آثار مکتوب موجود که در تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است (اعم از وقفنامه‌ها، مبیاعه‌نامه‌ها، حواشی قرآن، جزوات قرآنی خطی، مصالحه‌نامه‌ها و...)، نام این روستا «المشیر» و لقب اهالی آن «المشیری» بکار رفته است. همچنین آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸) از رجالیان بزرگ شیعه در عصر مشروطه در کتاب ارزشمند «طبقات اعلام الشيعة» در ذیل ترجمان مرحوم آیت الله شیخ عبدالصمد المشیری، نام روستا را به صورت «الم شیر» آورده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۴۰ ق، ج ۳: ۱۱۳۴). علامه دهخدا نیز در لغت‌نامه خویش، نام روستای المشیر را با الف ذکر کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۲۶۶).

در برخی از معدود نوشته‌ها صورت نگارش «علم‌شیر» مشاهده می‌شود که این اشتباه ممکن است ناشی از خطای نگارندگان در املاهای این کلمه پس از شنیدن نام آن باشد زیرا توسط نویسندگان غیر المشیری بکار رفته است. به طور مثال در سفرنامه اول ناصر الدین شاه به مازندران که به املاهای خود وی گزارش می‌شود، هنگام سفر از قائمشهر (در آن زمان علی‌آباد) به ساری که از محدوده همین خیابان امروزی میان قائمشهر و ساری است، در میان مردم روستاهای اطراف که برای تماشای وی آمده بودند، اینگونه توصیف می‌کند:

«دو طرف راه جنگل کمی داشت باقی جنگل را تراشیده دهات آباد نموده گندم و شالی می‌کارند. زن و مرد بسیاری در سر خیابان به تماشا آمده بودند. طرف دست راست محال ارطی است که جزء علی‌آباد است جمعیت و آبادی زیادی داشت که در سر راه ایستاده بودند. طرف دست چپ محال نوکنده کاه تیولی حاجی ملکزاده است جمعیت زیادی از آنجا آمده بودند به استقبال اما خود دهات پیدا نبود. علم‌شیر خالصه تیول حاجی شریفخان آن سمت نوکنده کاه است» (نوری، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

همچنین نوادگان مرحوم آیت الله شیخ عبدالصمد و شیخ مصطفی المشیری (در حال حاضر در بابل سکونت دارند)، برخی از آن‌ها دارای پسوند «علمشیری» هستند که طبق اظهار برخی از این افراد، این اشتباه در املاهای کلمه المشیر، در حین تغییر شناسنامه در زمان جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و تا قبل از تغییر شناسنامه، به صورت «المشیری» بکار می‌بردند. همین خطا در نگارش سنگ قبر آن مرحومین هم تکرار شده و پس از آن نیز به برخی از نوشته‌های معاصر راه پیدا کرده است. با این وجود احتمال اینکه نام المشیر برگرفته از «علم» و پرچم علویان باشد بعید نخواهد بود، در این علم نقش شیر که نماد شجاعت و نماد انتساب به امیرالمومنین (ع) «اسدالله» است، وجود داشت که پس از شهادت امامزاده قاسم - از سرداران سپاه علویان - بر مزار وی برافراشته شد.

روستای المشیر به دلیل جغرافیای خاص و ویژگی‌های تاریخی خود، دارای اهمیت ویژه‌ای است. این روستا با قدمت

تاریخی و سکنی‌گزینی انسانی، شامل مکان‌های برجسته‌ای چون: حمام تاریخی، آبدان بالامحله، شالیزار، گلزار شهدا و دیگر آثار فرهنگی است که به غنای هویت محلی آن افزوده‌اند. امامزاده قاسم به عنوان برجسته‌ترین اثر تاریخی و فرهنگی، نقطه مرکزی معنوی و فرهنگی این روستا محسوب می‌شود که نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و مذهبی ساکنان آن ایفا می‌کند. در ادامه به برخی از آثار برجسته المشیر می‌پردازیم:

۱-۳. تپه دینه کش

قدیمی‌ترین سازه دست‌ساز انسان در روستای المشیر، تپه به نام «دینه‌کش» است. بر اساس مطالعات انجام شده، تاریخ ساخت این اثر غیرطبیعی به هزاره اول قبل از میلاد برمی‌گردد (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۱). در این دوره انسان‌هایی از نژاد تپوری در این نقطه جغرافیایی می‌زیستند و دارای آداب و رسوم خاص خود بوده‌اند.

۲-۳. مناطق مزاری

در اطراف روستای المشیر سه نقطه جغرافیایی با ابعاد محدود وجود دارد که به آن «مزاری» گفته می‌شود. بر اساس برخی از احتمالات، شکل‌گیری اماکن مقدسی با عنوان «مزاری» ریشه در آیین‌های قبل از اسلام دارد که نشان از مسکونی بودن این منطقه قبل از اسلام است. احتمال دیگری نیز داده شده است که پس از اسلام و در زمان مهاجرت سادات و امام‌زادگان (نیمه قرن دوم هجری) شکل گرفته است. توجه و مورد احترام قرار گرفتن مناطقی جنگلی شکل «مزاری» که با درختان و چشمه محصور شده، موجب محفوظ ماندنش در طول تاریخ و عدم تصرف در طول صدها سال شده است.

۳-۳. سنگ قبر تاریخی

در سال ۱۴۰۱ در حین حفاری قبر در محدوده ۱۰ متری شرق سقائفار، قطعه‌ای از یک سنگ قبر کشف شد که اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ قبرستان المشیر و نیز مذهب این منطقه ارائه می‌دهد. این سنگ قبر شکسته که در عمق حدود یک متری یافت شده است، واژگانی چون «الله، محمد، علی، حسن عسکری، صاحب زمان و سنه ۱۰۲۵» می‌باشد. این حکاکی‌ها نشان‌دهنده قدمت بیش از چهار قرن و تعلق آن به دوره صفویان است (تصویر پیوست شماره ۳). این سنگ قبر شکسته، تقریباً یک سوم از یک سنگ قبر کامل را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل نام و مشخصات متوفی و نیز اسامی سایر معصومین (ع) در قطعه اصلی این سنگ مزار در دسترس نیست.

قدمت تاریخی روستای المشیر و مسکونی بودن آن به وضوح از طریق شواهد و آثار تمدنی موجود در این منطقه قابل ملاحظه است. تپه دینه کش، که به هزاره اول پیش از میلاد تعلق دارد، نشان‌دهنده سکونت انسان‌ها در این ناحیه از حدود ۲۵۰۰ سال پیش دارد. همچنین وجود امامزاده قاسم، که در دهه‌های پایانی سده سوم هجری در این روستا به شهادت رسیده و دفن شده است، گواهی بر استمرار سکونت در المشیر از زمان‌های دور به شمار می‌آید. علاوه بر این، تاریخ درج شده روی سنگ مزارها و دیگر آثار فرهنگی، نشان‌دهنده زندگی پیوسته انسان‌ها در این منطقه حداقل از ۵۰۰ سال پیش است. این شواهد به روشنی بیانگر غنای تاریخی و فرهنگی روستای المشیر و اهمیت آن در مطالعه تاریخ اجتماعی ایران می‌باشد.

۴. امامزاده قاسم نوۀ امام حسن (ع)

مردم طبرستان ارادت خاصی به اهل بیت (ع) داشتند و از زمان هجرت امام رضا (ع) به ایران و خراسان، این ارادت نیز تقویت شده بود. آنان پس از مشاهده ظلم و ستم طاهریان (قرن سوم هجری) که حاکمان منصوب از سوی دستگاه خلافت اسلامی بودند، بیش از پیش به خاندان اهل بیت روی آوردند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۰). از همین رو آنان از «حسن بن زید» از نوادگان امام حسن (ع) که در ری یکی از مراکز علویان زندگی می‌کرد، دعوت کردند تا رهبری آنان را بر عهده گیرد. با آمدن حسن بن زید به طبرستان، مردم از او استقبال و با او بیعت کردند (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۸۴). حتی برخی از پیروان ادیان دیگر توسط وی مسلمان شده و متعهد به حمایت از وی شدند.

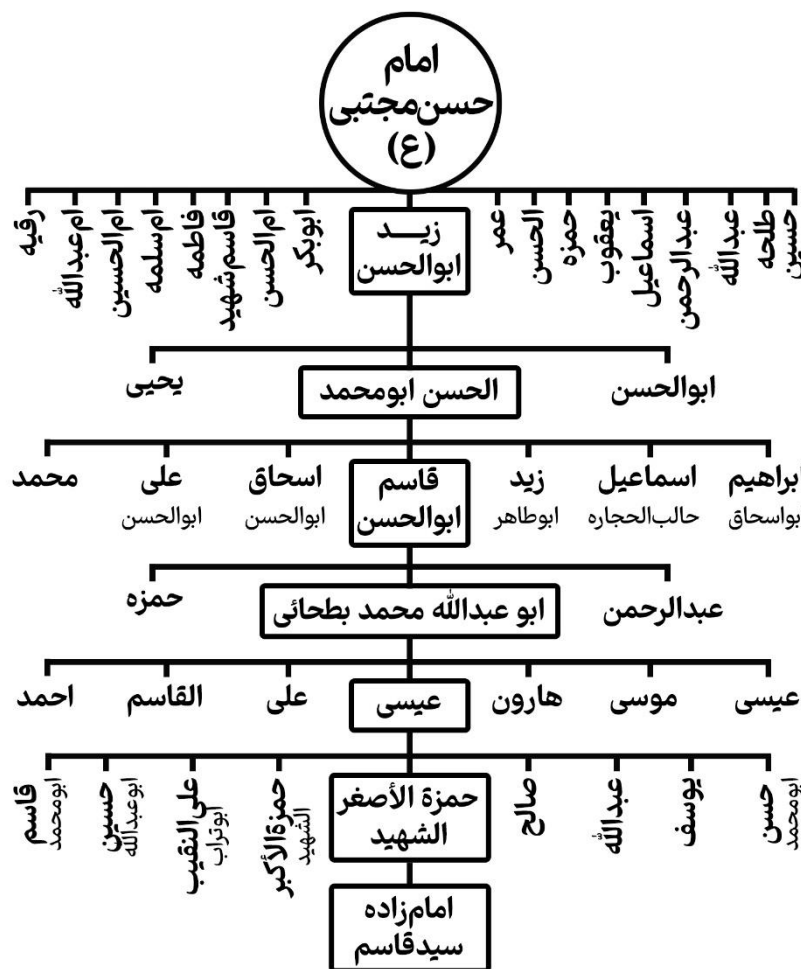
اعتقاد و ارادت مردم منطقه به پاکی خاندان اهل بیت (ع) مثال زدنی بود. چنانکه ابن اسفندیار می‌نویسد: «بهر وقت ساداتی را که به نواحی ایشان نشسته بودند، می‌دیدند، زهد و علم و ورع ایشان اعتقاد می‌کردند و می‌گفتند آنچه سیرت مسلمانی است، با سادات است» (ابن اسفندیار، ۱۳۹۶: ۲۴۸). در «تاریخ طبرستان» شوق مردم و جایگاه اهل بیت (ع) در نزد آنان با آمدن حسن بن زید به طبرستان اینگونه گزارش شده است:

«در این وقت به عدد اوراق اشجار سادات علویه و بنوه‌اشم از حجاز و اطراف شام و عراق به خدمت او رسیدند در حق همه مبرزت و مکرمت فرمود و چنان شد که هر وقت پای در رکاب آوردی، سیصد نفر علوی شمشیر کشیده گراگرد او کله بستندی» (ابن اسفندیار، ۱۳۹۶: ۲۶۳).

همین امر موجب موفقیت و پایداری علویان در طبرستان شد. مرعشی در کتاب تاریخ طبرستان و رویان می‌گوید:

«چون داعی (حسن بن زید) در حق سادات شفقت و عاطفت می‌نمود، بسیار سید بر او جمع شدند چنان که هرگاه سوار می‌شدی، سیصد هزار سید شمشیرزن با او سوار شدند» (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۹۰).

ارادت مردم طبرستان به خاندان اهل بیت (ع) از یک سو (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۰) و جور و ظلم حاکمان و گماشتگان سلسله طاهریان از سوی دیگر (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۸-۱۹)؛ موجب شد تا حسن بن زید در سال ۲۵۰ با حمایت مردم، حکومت علویان طبرستان را تشکیل دهد و تا سال ۲۷۰ قریب به ۲۰ سال بر طبرستان، دیلم و گران حکومت نماید. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۲-۳۰۳).



نگاره ۲: شجره نامه امامزاده قاسم مدفون در روستای المشیر شهرستان قائمشهر (فقیه محمدی جلالی، ۱۴۰۳)

باتوجه به شواهد تاریخی متعدد، پس از تشکیل حکومت علویان در طبرستان توسط حسن بن زید (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۸۴)، سادات فراوانی از بلاد مختلف گرد او جمع شدند و بسیاری از آنان در شمار سرداران سپاه او قرار گرفتند، از جمله عموزادگان خود حسن بن زید، دو برادر به نام‌های «حمزه الاکبر» و «حمزه الاصغر» که پدر بزرگوار امامزاده سید قاسم مدفون در المشیر است، قدیمی‌ترین سندی که از سکونت و شهادت سید حمزه در طبرستان (ساری) خبر می‌دهد، مقاتل الطالبیین است:

«حمزة بن عیسی بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن (ع) در پیکاری که بین یعقوب لیث صفاری و حسن بن زید داعی صورت گرفته به شهادت رسیده است» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۷: ۵۳۸).

علامه سید جعفر اعرجی، حمزه را دو تن شمارش کرده:

«حمزتان الاکبر و الأصغر، فقد انتقلا إلى طبرستان، و قتلایها و العقب من أحدهما»؛ حمزه اکبر و اصغر بودند که به طبرستان مهاجرت نموده و در آنجا به شهادت رسیدند و تنهایک تن آنان نسل

داشته است» (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

حمزه اصغر مکتبی به ابوعلی (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳) در آسرم مدفون است (فقیه، ۱۳۸۴: ۱۱۶) اما برادرش حمزه اکبر مکتبی به ابورضا در روستای هولار در جنوب شهر ساری دارای گنبد و بارگاه می‌باشد (فقیه، ۱۴۰۲: ۶۱۸) و به «حمزه رضا» شهرت دارد (فقیه، ۱۴۰۰، ج ۱: ۹۸-۹۷ و ۱۴۴۵ ق، ج ۱: ۲۰۲). او دارای سه برادر به اسامی «علی» نقیب طبرستان، و «ابوتراب محمد» و «حسین» بود (عبیدلی، ۱۴۱۳: ۱۱۵). شهادت این دو سید بزرگوار در زمان حمله یعقوب لیث صفار در سال ۲۶۰ ه‍.ق واقع شده است (کمون‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۹). علامه نسابه بیهقی (متوفای ۵۶۵ ه‍.ق) نیز معتقد است: حمزه اکبر در جنگی که بین یعقوب لیث صفاری و حسن بن زید داعی درگرفت، درحالیکه ۳۰ سال بیش نداشت در طبرستان کشته شد و همانجا هم مدفون گردید (بیهقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۲۸). صاحب «بدائع الأنساب» نیز از شهادت این دو برادر در طبرستان خبر داده است (حسینی تفرشی، ۱۳۱۹: ۲۷).

براساس گزارش بیهقی از تعیین سن حمزه اکبر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برادرش حمزه اصغر، با توجه به اختلاف سنی یک یا دو سالی که با برادر بزرگترش داشت، در سن ۲۹ یا ۲۸ سالگی به شهادت رسیده است (بیهقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۲۸). بنابراین هیچ‌یک از فرزندان حمزه اصغر علی الخصوص «امام‌زاده قاسم المشیر» در زمان حمله یعقوب لیث صفاری در سن و سال جنگی نبوده‌اند. از آنجا که یعقوب پس از تخریب شهر ساری، طبرستان را ترک کرد، این گمان وجود دارد که فرزندان حمزه اصغر در زمان جنگ به سمت غرب ساری که از حمله یعقوب در امان بود، عقب‌نشینی کرده باشند. یکی از آبادی‌های مهم غرب ساری، مناطق مسکونی دو طرف حاشیه رودخانه سیاهرود از جمنان تا المشیر بود.

منابع تاریخی در مورد زندگی و سرنوشت فرزندان حمزه اکبر و حمزه اصغر، سخنان چندانی نگفته‌اند جز آنکه حمزه اکبر را بدون اولاد معرفی کرده (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳) و برای حمزه اصغر نیز فرزندان را بر شمرده‌اند که از جمله آنها «قاسم» معروف به میمون (= با برکت) است (عمری علوی، ۱۳۸۰: ۲۵). در «عمدة الطالب» اشاره‌ای گذرا به زندگی فرزندان حمزه اصغر شده و از آنان به شایستگی یاد شده و ضمن آن تصریح می‌شود فرزندان نامبرده در ری و ساری ساکن هستند (ابن عنبه، ۱۴۱۷ ق: ۹۴). تحقیقات علامه نسابه ابوالحسن عمری در خصوص برادران و خواهران امام‌زاده قاسم نشان می‌دهد، پدر بزرگوارش «حمزه اصغر شهید» دارای شش فرزند بوده که سه نفر آنان پسر و سه نفر آنان دختر بودند.

پسران	فرزندان الاصغر الشهید حمزه	دختران
۱- ابوعلی عیسی ۲- قاسم اعرج ۳- علی		۱- میمونه ۲- مبارکه ۳- صفیه

جدول ۱: شمار و اسامی خواهران و برادران امام‌زاده قاسم بر اساس «المجدي في أنساب الطالبین»

دختران شامل: میمونه؛ مبارکه؛ صفیه؛ و پسرانش در طبرستان؛ ابوعلی عیسی متولد ری - و مدفون در طوس کلا - قاسم اعرج معروف به میمون، متولد طبرستان و علی متولد طبرستان (ساری) که از صاحب نفوذان سادات به شمار می‌رفت (عمری علوی، ۱۳۸۰: ۲۵). با بررسی منابع تاریخی و با استناد به روایات شفاهی محلی، حاکی از آن است که برخی از فرزندان حمزه اصغر در روستای المشیر اقامت گزیدند، سید قاسم بعدها در جنگ‌های محلی و یا جنگ‌هایی که میان علویان و طاهریان اتفاق افتاد شرکت داشته و ظاهراً در میانه سال‌های ۲۸۰ تا ۳۰۰ هجری قمری به شهادت رسید و در محل فعلی که به نام امامزاده قاسم مشهور است، به خاک سپرده شد.

۵. هویت بخشی آستان امامزاده قاسم در المشیر

امامزادگان به عنوان هسته‌های فرهنگی و اجتماعی در ساختار اجتماعی ایران عمل می‌کنند. انتساب این اماکن به خاندان پیامبر اسلام و امامان شیعه علیهم السلام، منزلت اجتماعی آن‌ها را تقویت کرده است. علاوه بر این، امامزاده‌ها در طول تاریخ به عنوان نمادهایی از صیانت از دین و معنویت مردم عمل می‌کنند و به مثابه نگینی هستند که فرهنگ و هویت مردم آن منطقه را به وجود آن امامزاده می‌شناسند. در مناسبت‌های خاص، این اماکن به کانون برگزاری آیین‌ها و سنت‌های دینی و مذهبی، به ویژه جشن‌ها، اعیاد و عزاداری‌ها تبدیل می‌شوند. بر همین اساس آستان مقدس امامزاده‌ها در هویت بخشی به زیست بوم انسانی و سبک زندگی، جایگاه برجسته‌ای دارند (مولایی، ۱۳۹۸: ۲۷).

همچنین در مناسبت‌های مذهبی مانند ایام محرم و صفر، ماه رمضان، و غیره، بقاع متبرکه امامزادگان به عنوان هسته‌های فرهنگی و معنوی در شهرها و روستاها، نقش مهمی در جذب مردم و میزبانی از رویدادهای متنوع ایفا می‌کنند. این اماکن مقدس هم به عنوان مکانی امن و معنوی برای علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام عمل می‌کنند، و هم با کارکردهای متنوع خود، طیف گسترده‌ای از نیازهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را برای مراجعان تأمین می‌کنند (مولایی، ۱۳۹۸: ۳۳). با حضور در این مراکز مذهبی، مردم فرصت دارند تا با نیایش، توسل، زیارت و نذر و نیاز، عشق و ارادت خود را به خاندان اهل بیت تداوم بخشند. این اماکن در حیات شهری و روستایی جایگاه مهمی دارند و با تقویت احساس دینی و ایجاد وحدت کلمه، نقش مؤثری در بهینه‌سازی فرهنگ جامعه ایفا می‌کنند (ایمانی، ۱۳۹۴).

امامزاده قاسم روستای المشیر نیز از دیرباز کانون توجه مردم این روستا بوده است. مرقد مطهر آن امامزاده فضایی معنوی و آرامش بخش برای راز و نیاز با خداوند متعال فراهم می‌کند. مردم المشیر، کرامات و معجزات زیادی از امامزاده قاسم دیده یا شنیده‌اند، که این امر دلدادگی و ارادت المشیری‌ها به امامزاده قاسم را عمق بخشیده است. نقش امامزاده در هویت بخشی به زیست بوم انسانی و منطقه روستای المشیر از زوایای مختلف قابل بررسی است. همچنین پیوندهای مردم المشیر با حرم امامزاده قاسم در قالب‌های متنوع سامان یافته که در ادامه، این پیوندها در سه نقطه کانونی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

۵-۱. هویت بخشی فرهنگی دینی

مردم روستای المشیر از زمان دفن امامزاده تاکنون، عشق به اهل بیت را حفظ کرده‌اند و این امامزاده نیز محلی برای

تجدید و استمرار بخشی به این عشق و ارادت روستائیان شده است؛ ریشه این ارادت را می‌توان در ارتباط نسبی امامزادگان با اهل بیت (ع) جستجو نمود. مردمان این روستا به دلیل اینکه ذوات مطهره فرزندان و نوادگان ائمه هدی (ع) از جایگاه و تقرب خاصی نزد خداوند برخوردار هستند، با حضور در آستان امامزاده قاسم ضمن ادای احترام به ساحت مقدس این بارگاه‌های نورانی، ایشان را نزد ائمه معصومین (ع) واسطه قرار می‌دهند تا گره از مشکلاتشان باز کنند.

بخش مهم دیگری از کارکردهای امامزادگان، تقویت ساحت تربیت عبادی و ایجاد حس آرامش و امنیت در بین زائران است. این اماکن مقدس با فراهم کردن فضایی معنوی برای عبادت، نذر و نیاز، و توسل به امامزاده، زمینه را برای تجربه کرامات و برآورده شدن حاجات فراهم می‌کنند. این فرایندها به‌طور قابل توجهی به رشد معنوی افراد کمک می‌کنند و حس آرامش و امنیت را در دل زائران و مجاوران ایجاد می‌کنند و آن‌ها را به سمت یک زندگی معنوی سوق می‌دهند.

تأسیس اماکن مذهبی در کنار آستان امامزاده قاسم، به عنوان بخشی از توسعه فرهنگی و مذهبی این منطقه، به تقویت هویت دینی و معنوی آن کمک می‌کند. در قسمتی از قدیمی‌ترین وقفنامه روستای المشیر چنین مرقوم شده است:

«بر مصارف متعلقه به تعزیه‌داری حضرت اباعبدالله الحسین ثالث ائمه اثنی عشر علیه صلوات الله الملك الاکبر از اطعام به اهل عزا و اکرام بروضه‌خوان و چای دادن و قهوه و قلیان دادن به اهل عزا و مصارف لازمه اعیان تکیه واقعه در قریه المشیر در ایام عاشورا که از اول شهر محرم الحرام است که در تکیه المشیر که مهیا شده است از برای تعزیه ایام عاشوراء صرف شود» (تصویر پیوست شماره ۱).

براساس جمله اخیر: «تکیه المشیر که مهیا شده است از برای تعزیه» به‌روشنی فهمیده می‌شود که تکیه مذکور بنایی جدید بوده و اندکی قبل از زمان نگارش این وقفنامه تأسیس شده است. این وقفنامه در سال ۱۲۸۸ قمری برابر با ۱۲۴۸ شمسی مکتوب شده است، بنابراین نخستین حسینیه روستای المشیر با عنوان «سرتکیه» حدود دهه ۱۲۴۰ شمسی در مجاورت بارگاه امامزاده قاسم بنا شد و در دهه ۱۲۸۰ شمسی نیز در سمت راست مقابل این بارگاه و روبه‌روی حسینیه، سقائفاری بنا شد. احتمالاً در بازسازی و توسعه حسینیه در اوایل سده چهاردهم، حسینیه به بارگاه امامزاده قاسم متصل گردید. همین امر موجب شد تا در بازسازی‌ها و نوسازی‌های بعدی حسینیه، بارگاه امامزاده نیز دستخوش تغییر یا تخریب قرار گیرد. به همین دلیل بنای قدیمی امامزاده قاسم پس از حدود ۵۰۰ سال در بازسازی حسینیه روستای المشیر در دهه ۱۳۶۰ به‌طور کامل تخریب و بنای دیگری جایگزین آن شد. بنای جدید نیز در سال ۱۳۹۵ در نوسازی حسینیه، تخریب شد.

در احداث حسینیه جدید، بقعه امامزاده قاسم مجدداً از حسینیه کاملاً جدا شد. حسینیه جدید روستای المشیر در فاصله تقریبی ده متر در ضلع غربی امامزاده بنا گردید. برای امامزاده نیز مقبره گنبدی شکل باشکوهی طراحی و ساخته شد. بنای فعلی امامزاده متصل به مقبره شهدای دفاع مقدس است. نمای بیرونی مقبره امامزاده از آجر و کاشی‌های مزین به آیات و ادعیه است و داخل آن نیز تماماً شیشه‌کاری شده است.

از امور دیگری که نشان‌دهنده تعهد و مشارکت مردم در حفظ و پاسداشت این مکان مقدس است وجود متولیان و خادمان از بومیان روستا است که همواره در مراقبت و نگهداری از آن مشارکت داشته‌اند. با توجه به اینکه قدمت ساخت بنای امامزاده حداقل به ۵۵۰ سال می‌رسد، برای باز و بسته شدن درگاه مقدس و مدیریت و مراقبت، متولیان یا خادمان و کلیددارانی در طول این تاریخ وجود داشته‌اند، گرچه اطلاعات جزئی و مستند در دست نیست، اما در صد سال اخیر و در سده چهاردهم، خاندان «ایزدی المشیری» به صورت نسل اندر نسل، کلیددار آستان امامزاده قاسم بوده‌اند؛ از دهه ۱۳۸۰ شمسی به بعد نیز تولیت امامزاده به صورت هیأت امنایی صورت می‌پذیرد.

۵-۲. هویت بخشی اجتماعی

وجود مزار مطهر امامزاده قاسم در این مکان، موجب شد تا زمین‌های مجاور آن تبدیل به قبرستان و محل دفن مردگان المشیری شود و از دیرباز مردم روستای المشیر، اموات خود را در مجاورت مدفن آن امامزاده منور، دفن نمایند. آنگونه که از شواهد گوناگون به دست می‌آید، قبرستان اصلی روستای المشیر قدمتی بسیار دیرینه دارد. امامزاده قاسم، قدیمی‌ترین نشانه‌ای است که بر اساس آن می‌توان تاریخ روستا و تاریخ قبرستان را تخمین زد. به عبارت دیگر، تاریخ قبرستان روستای المشیر، تابعی از تاریخچه امامزاده محسوب می‌شود. همانگونه که در محور قبل گذشت، قدمت دفن امامزاده قاسم در این مکان، به حدود سال ۳۰۰ هجری قمری می‌رسد؛ بنابراین، قدمت قبرستان به حدود ۱۲۰۰ سال یا بیش از آن خواهد رسید.

از بارزترین کارکردهای هویت بخشی و اثرگذاری فرهنگی امامزاده قاسم بر زیست بوم انسانی روستای «المشیر»، برپایی اجتماعات مختلف ملی و مذهبی از دیرباز - در ایام مختلف سال - در آستان امامزاده و قبرستان روستای المشیر است که تبدیل به سنتی کهن شده و تاکنون پابرجاست، بگونه‌ای که امامزاده و قبرستان به تدریج تبدیل به کانون اجتماع بومیان به ویژه در اعیاد و عزاداری‌ها شده است.

در ایام عید فطر مردم المشیر در کنار مزار عزیزانشان سفره پهن کرده و از مهمانان پذیرایی می‌کنند. این اجتماع چنان برجسته و سنتی نیکو و مورد احترام ویژه مردم است که حتی اگر امکان دید و بازدید در ایام عید برای برخی خانواده‌ها و افراد فراهم نشده بود، غروب پنجشنبه یا اعیاد و ایام عزا، فرصت مناسبی برای جبران این دیدار محسوب می‌شود. همچنین در ایام عید نوروز و سایر اعیاد ملی و مذهبی نیز آستان امامزاده قاسم و قبرستان روستای المشیر، محل حضور و تجمع انبوهی از خانواده‌های المشیر است تا در این محل گرد هم آمده و به مقام امامزاده، شهدای مدفون در قبرستان و مردگان خود ادای احترام می‌کنند.

یکی از پیوندهای عالی میان امامزاده و مردم روستا علاوه بر اجتماعات بزرگ، بسیاری از گعده‌های دوستانه نیز در این محل انجام می‌شد. حسب نقل معمرین روستا، حتی از دهه‌های دور افراد برای دیدار و تجدید ملاقات با یکدیگر، در این محل جمع می‌شدند؛ اکنون نیز گروه‌های کوچکی از مردم به ویژه بزرگسالان و کهنسالان، برای دیدوبازدید و گعده‌های صمیمی و گذران لحظات خوش، در مجاورت امامزاده دور هم جمع می‌شوند.

از دیگر پیوندهای زیبا میان مردم و این مکان معنوی، گردهم آمدن جوانان و نوجوانان برای سپری کردن اوقات

فراغت توأمان با تجربه‌های فرهنگی و حس همبستگی بود. تفریح و انجام بازی‌هایی مثل: کمربندبازی، آغوزبازی یا گردوبازی، هفت سنگ، چلکته‌بازی (شبیه بازی الک دولک)، فوتبال و برخی بازی‌های دیگر در محوطه قبرستان المشیر برگزار می‌شد. حتی در نیمه سده چهارده، بخشی از قسمت ضلع غربی قبرستان تبدیل به زمین فوتبال شده بود. این زمین فوتبال گاهی در ایام عروسی جوانان المشیر، محل اجرای کشتی لوچو نیز بود.

۵-۳. هویت بخشی معماری و تاریخی

نقش امامزاده قاسم در هویت بخشی معماری و هنری نیز بسیار برجسته است. گرچه با تخریب بنای تاریخی امامزاده، نقش معماری آن کم‌رنگ شده، اما از نظر بررسی‌های تاریخی، وجود امامزاده قاسم در المشیر، هم به عنوان یک «موضوع تاریخی»، قابل مطالعه و بررسی است و هم به عنوان یک «منبع تاریخی» می‌توان تاریخچه المشیر را از آینه تاریخی آن امامزاده نگریست.

امامزاده قاسم روستای المشیر دارای بقعه زیبایی است که بخشی از هویت معماری روستا وام گرفته از آن است. سازه گلی و رو به آستان مقدس رضوی (ع)، از اشتراکات معماری ساختمان بناهای مسکونی و خانه‌های قدیمی روستا و بقعه امامزاده قاسم است. از زمان ساخت اولین بقعه و بارگاه امامزاده قاسم اطلاع دقیقی در دست نیست، اما قدیمی‌ترین بارگاهی که اطمینان به ساخت آن می‌رود، بارگاهی است که در حدود سده نهم هجری با سازه خشت بر روی مرقد امامزاده قاسم بنا شده بود. پس از ساخت بقعه، درب چوبی ظریف و پرکاری بر آن قرار گرفت. بر روی آن درب نصب شده، تاریخ شوال سال ۸۹۱ هجری برابر با مهرماه ۸۶۵ شمسی حک شده بود (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴: ۳۶۱) بنابراین می‌توان از زمان ساخت بقعه تا به امروز حدود ۵۵۰ سال را تخمین زد. اما آخرین بقعه قدیمی که تا قبل از دهه ۱۳۷۰ پابرجا بود، بقعه‌ای بود از گل و چوب؛ از مشخصات معماری این بنا می‌توان احتمال داد که متعلق به دوره قاجاریه بود، چون بناهای دوره صفویه، علاوه بر اینکه معمولاً از خشت یا گل پخته به کار می‌گرفتند، سقف آن دوره نیز به صورت گنبدی و یا شبیه برج ساخته می‌شد، در حالی که بنای مذکور که در اواخر دهه ۱۳۶۰ تخریب شد، بنایی از گل بوده و سقف آن نیز از چوب و الوار و به صورت مسطح بنا شده بود تا از باران محافظت شود، سقف دوم آن نیز مثلثی شکل بوده و از سفال پوشیده شده بود.

ابعاد تقریبی این بقعه چهار متر در چهار متر مربع بوده که در وسط آن ضریح چوبی به ابعاد تقریبی یک متر و نیم عرض، دو متر طول و یک متر و نیم ارتفاع قرار داشت. این ضریح از چهار طرف و نیز از طرف سقف با تخته محصور شده بود و در چهار ضلع آن، ستونی چوبی به ارتفاع یک متر و هشتاد سانتی متر قرار داشت. بالای این ستون به شکل دسته منبر طراحی شده بود. همچنین ارتفاع مقبره از کف آن تا سقف اول، حدود سه متر بود. این بارگاه رو به سمت شرق (حرم حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام) ساخته شده و درب آن نیز در همین سمت قرار داشت. بر دیوار سمت جنوبی آن نیز پنجره‌ای چوبی به ابعاد یک در یک متر قرار گرفته بود.

سازه اصلی این بنا، از گل بود و برای ساخت درب و پنجره و سقف آن از چوب و الوار استفاده شده بود. برای جلوگیری از تخریب ساختمان بر اثر باران، بر روی سقف اول، سازه‌ای با الوار بنا کرده و روی آن را با سقف سفالی

مثلی شکل پوشانده بودند به گونه‌ای که سقف امامزاده از هر طرف به شکل هشت دیده می‌شد.

بازسازی هویت تاریخی مردم با بازخوانی مشخصات درب امامزاده قاسم، یادآور آن درب چوبی است که در اوایل دهه ۱۳۷۰ به سرقت رفت و اکنون در یکی از موزه‌های اروپایی نگهداری می‌شود، پاره‌ای از هویت مردم روستای المشیر را به خود اختصاص داده است. ایران‌شناس و جغرافیدان معاصر مرحوم دکتر منوچهر ستوده در اثر ارزشمند خویش «از آستارا تا استارباد» گزارش جامعی از درب امامزاده قاسم روستای المشیر ارائه می‌کند (این گزارش پیش از انقلاب اسلامی تهیه شده اما چند سال پس از انقلاب اسلامی منتشر شد).

«در این دهکده تکیه ای است که یک سوم غربی بنا، مرقد امامزاده است. در ورودی مزار، بسیار ظریف و پرکار و خوش نقش و خوش خط است. پهنای دو لنگه آن از چهار چوب به چهار چوب، ۱۲۰ و بلندی آن ۱۹۲ سانتی متر است. عبارات زیر بر آن حک شده است: بر پاسار بالای لنگه سمت راست: قربان مشهد مقدس و مرقد اقدس نورالله تعالی؛ بر پاسار بالای لنگه سمت چپ: عمل شمس الدین بن استاد احمد نجار بلده ساری؛ بر پاسار پایین لنگه سمت راست: صاحبه الخیرات درویش محمد ابن کیا فلنجه؛ بر پاسار پایین لنگه سمت چپ: به تاریخ شهر شوال سنه احد و تسعین و ثمانمائه؛ سقافناری نسبتاً پرکار و خوش رنگ در جلوی تکیه است که تاریخی بر آن دیده نشد. در تکیه نیز آثاری تاریخی موجود نیست. شمال تکیه و مرقد فضایی باز است که گورستان قدیمی است و چهار اصله درختان آزاد قدیمی دارد که در حال خشک شدن هستند» (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴: ۳۶۲).

آنچه بر پاسار تخته چوب‌های قطور (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۳۵۵) حک شده تاریخ ساخته شدن درب به دست هنرمند ایرانی، شوال سال ۸۹۱ هجری برابر با مهرماه سال ۸۶۵ شمسی را نشان می‌دهد که قدمت آن به حدود ۶ قرن پیش برمی‌گردد. از طرفی تعداد درختان آزاد (به زبان محلی اژار یا اژدار) اشاره شده در کتاب مذکور، هم‌اکنون تنها یک اصله از آن باقی مانده است که در سمت شرقی قبرستان امامزاده قاسم قرار دارد.

امامزاده قاسم بی‌تردید به عنوان یک عنصر اساسی در هویت تاریخی مردم روستای المشیر عمل می‌کند، بازیابی هویت تاریخی این روستا و حتی بازخوانی تاریخ آن، به شدت با امامزاده قاسم گره خورده است. بخشی از این هویت تاریخی از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که در مورد درب امامزاده گزارش شد، به دست می‌آید. ساخت این درب که احتمالاً هزینه زیادی داشته است، نیاز به بانی داشت و مردم روستا در تهیه و ساخت آن مشارکت داشته‌اند. این مشارکت، روحیه سخاوت و بخشنده‌گی مردم المشیر را در مطالعه تاریخ امامزاده به نمایش می‌گذارد.

گزارش مذکور همچنین حکایت از وجود اثر هنری بدیع در صنعت نجاری و هنر خطاطی دارد. با بازخوانی این اثر هنری مرتبط با بقعه امامزاده، می‌توان به زوایای دیگری از ابعاد فرهنگی و هنری مردم روستا پی برد. شیعه بودن مردم روستا در زمان ساخت درب امامزاده و وجود افراد باسواد در روستای المشیر، از دیگر نتایجی است که از بازخوانی تاریخ امامزاده حاصل می‌شود. بدین‌سان تاریخ امامزاده قاسم و بقعه آن، پنجره‌ای است به سوی بازیابی هویت ملی و تاریخی روستای المشیر و مردم آن، که از طریق آن می‌توان به عمق فرهنگ و تاریخ این منطقه پی برد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مطالعه تأثیرات هویتی وجود امامزاده قاسم روستای المشیر در مردم آن دیار پرداخته شد. با دفن امامزاده قاسم در المشیر، زمین‌های مجاور مرقد او تبدیل به قبرستان عمومی شد. تأسیس حسینیه در کنار امامزاده قاسم، احداث سقنفار، برپایی بازارهای مقطعی و برگزاری اجتماعات مختلف در کنار امامزاده قاسم، همگی نشان از هویت‌بخشی امامزاده قاسم برای روستای المشیر دارد.

در روستای المشیر همه اجتماعات مربوط به شعائر دینی مانند دسته‌روی‌ها و عزاداری‌ها و حتی جشن‌ها و مراسم ملی و بومی نیز به حرم امامزاده قاسم ختم می‌شود. حتی گرده‌مایی‌های دوستانه و گعده‌های سنی و صنفی نیز در مجاورت امامزاده برگزار می‌شود. امامزاده قاسم المشیر کانونی محوری برای روستائیان محسوب می‌شود و همه مناسبات دینی و هویتی خود را با ملاحظه همجواری با آن امامزاده رقم می‌زنند. حتی نام‌گذاری زمین‌های کشاورزی و غیر کشاورزی اطراف آن نیز به نام امامزاده گره خورده است. به هر حال امامزاده قاسم محور همه تلاش‌های اجتماعی است و نقش بی‌نظیری در انسجام و اتحاد مردم المشیر دارد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت کارکرد امامزاده قاسم در روستای المشیر بسیار گسترده‌تر از دفن یک انسان عالی‌مقام است. قبرستان المشیر به خاطر وجود امامزاده و حسینیه، صرفاً یک مکان زیارتی یا معنوی نبوده بلکه محلی هویت‌بخش است که به زیست‌بوم انسانی روستا می‌افزاید و باعث اتحاد، همبستگی، و ایجاد هویت دینی و عرفی در میان مردم المشیر می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن اسفندیار، محمد بن حسن. (۱۳۹۶). *تاریخ طبرستان*، تهران: اساطیر.
۲. ابن عنبه، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب*، قم: انصاریان.
۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۳۷۷). *مقاتل الطالبیین*، محقق: احمد صقر، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴. اعرجی، جعفر بن محمد. (۱۳۷۷). *مناهل الضرب فی أنساب العرب*، محقق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵. ایکن. (۱۴۰۲). *بیست و چهارمین یادواره شهدا روستای المشیر برگزار می‌شود*، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵، <https://iqna.ir/۰۰HOSW>
۶. ایمانی، علی اکبر. (۱۳۹۴). *نقش فرهنگی بقاع متبرکه در جامعه*، مجموعه مقالات برگزیده کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی علیه السلام، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. <https://civilica.com/doc/۹۶۶۶۰۷>
۷. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۳۰ق). *طبقات اعلام الشیعة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. بیهقی، علی بن زید. (۱۳۸۵). *لباب الأنساب والألقاب والأعقاب*، محقق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۹. جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: نشر علم.
۱۰. حسنی تفرشی، مهدی بن مصطفی. (۱۳۱۹). *بدائع الانساب فی مدفن الاطیاب*، تهران: کتابخانه عالی.
۱۱. حکیمیان، ابوالفتح. (۱۳۶۸). *علویان طبرستان*، تهران: الهام.
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.

۱۳. ستوده، منوچهر. (۱۳۶۶). *از آستارا تا استارباد آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی (جلد چهارم)*، محقق: مسیح ذبیحی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. عبیدلی، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *تهذیب الأنساب ونهایة الأعقاب*، محقق: محمدکاظم محمودی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. عزیزاده، معصومه. (۱۳۹۵). *تأملی به آیین محرم در روستای المشیر قائمشهر*، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵، خبرگزاری شبستان، <https://shabestan.news/x16WsB>
۱۶. عمری علوی، علی بن محمد. (۱۳۸۰). *المجدي في أنساب الطالبیین*، محقق: احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۷. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). *مشاهد العلویین في تَمَمَة مقاتل الطالبیین*، تهران: سازمان اوقاف.
۱۸. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی. (۱۴۰۲). *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*، قم: وثوق.
۱۹. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی. (۱۴۴۵ق). *الدرة الذهبیة في إكمال منتقلة الطالبیة*، کربلاء: مکتبه ابن فهد الحلی للطباعة والنشر.
۲۰. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی؛ اسلامی، حسین. (۱۳۸۴). *بارگاه آزادگله شرح حال و زندگانی امامزاده عباس ساری*، قم: وثوق.
۲۱. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). *شجره نامه امامزاده قاسم مدفون در روستای المشیر شهرستان قائمشهر*، قم: مؤسسه دائرة المعارف بقاع متبرکه.
۲۲. کمونه‌حسینی، سید عبدالرزاق. (۱۳۸۹). *آرامگاه‌های خاندان پاك پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین*، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. گیلانی، شیخعلی. (۱۳۵۲). *تاریخ مازندران*، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۴. مادلونگ، ویلفرد. (۱۹۸۷م). *اخبار الأئمة الزیدية فی طبرستان ودیلمان و جیلان*، بیروت: دار النشر فرانز شتاینر.
۲۵. محمودی، سعید. (۱۳۹۴). *بررسی کارکردهای اجتماعی اماکن مذهبی شیعه استان لرستان* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، استاد راهنما: محمود تقی‌زاده داوری، قم: دانشگاه قم.
۲۶. مرعشی، ظهیر الدین بن نصیرالدین (۱۳۶۱). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
۲۷. منتظرالقائم اصغر. (۱۳۹۹). *بررسی نقش و کارکرد امامزاده‌ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تأکید بر امامزاده‌های شیراز و یزد*، پژوهش‌های علوم تاریخی، (۱۲): ۴، ص ۱۲۹-۱۵۰.
۲۸. مولایی، اصغر. (۱۳۸۹). *بازشناسی جایگاه حرم امامزادگان در هویت شهری با تأکید بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی*، پژوهشنامه سبک زندگی، دوره ۵ (۸)، ص ۲۷-۵۰. <https://dor.isc.ac/dor/۲۰,۱۰۰,۱,۲۴۷۶۳۱۰,۱۳۹۸,۵,۱۳,۰>
۲۹. نوری، مصطفی. (۱۳۸۹). *نخستین سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران*، پیام بهارستان، (۲): ۷، ص ۱۳۸-۱۹۸.
۳۰. وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۸۱). *دانشنامه‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران (مدخل تپه دینه کش)*، شماره ثبت: ۷۸۴۸.

پیوست ها و ضمائم



تصویر شماره ۱: قدیمی ترین سند مکتوب حاوی نام «المشیر»، وقف نامه ای از سال ۱۲۴۹ شمسی به متولی آخوند ملاعلی المشیری



تصویر شماره ۲: موقعیت جغرافیایی روستای «المشیر»



تصویر شماره ۳: قطعه سنگ قبر کشف شده در حفاری‌های قبرستان روستای المشیر در سال ۱۴۰۱،
که به سال ۱۰۲۵ هجری قمری (دوره صفویان) تعلق دارد.